



بررسی چالش های کارت اعتباری در ایران؛ کارت اعتباری برخواسته از نیاز مردم نبوده است - گفت و گو با حمید تهرانفر، مدیرکل سابق نظارت بر بانک ها و موسسات اعتباری بانک مرکزی

پدیدآورده (ها) : تهرانفر، حمید
اقتصاد :: تازه های اقتصاد :: پاییز 1391 - شماره 137
از 24 تا 27

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/982267>

دانلود شده توسط : رحمان قاسمی
تاریخ دانلود : 03/02/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



کارت اعتباری بر خواسته از نیاز مردم نبوده است

گفت‌وگو با حمید تهرانفر، مدیر کل سابق نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری بانک مرکزی



این روزها بسیاری از مردم به اشتباه عبارت «کارت اعتباری» (Credit Card) را به جای «کارت نقدی» (Debit Card) به کار می‌برند، بی‌آنکه بدانند کارت اعتباری با کارت نقدی تفاوت زیادی دارد. این اشتباه نشان از شناخته نشدن کارت اعتباری در میان مردم است. شناخته نشدن کارت اعتباری میان مردم، حاکی از استقبال کم مردم و یا ضعف زیرساخت‌های لازم برای فراگیر شدن این نوع کارت است. در همین ارتباط گفت‌وگویی با حمید تهرانفر مدیر کل سابق نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری بانک مرکزی انجام دادیم تا دلایل عدم شناخت در این زمینه را از ایشان جویا شویم. گفت و گوی ما با ایشان را در ادامه می‌خوانید:

■ آقای تهرانفر، بگذارید از درصد کارت‌های اعتباری نسبت به کارت‌های نقدی در ایران شروع کنیم. می‌دانیم که سهم کارت‌های اعتباری در ایران نسبت به کارت‌های نقدی بسیار کم است و این نسبت در بسیاری از کشورهای پیشرفته تقریباً برعکس است. وضعیت ایران در رابطه با کارت اعتباری چگونه است؟

در زمینه کارت اعتباری، ما از همان لحظه شروع ارائه این نوع کارت در ایران تا به امروز مشکل داشته‌ایم. مشکل این است که نیازها یا محصولاتی که مورد نیاز اقتصاد هستند از دل جامعه بروز نمی‌کنند به نحوی که یک فرد یا گروهی در بالا آن را مدیریت کند یا برایش راه کار طراحی بکند. این ماجرا شاید فقط در کشور ما برعکس باشد، معمولاً ما نگاه می‌کنیم بینیم کشورهای پیشرفته چه کارهایی انجام داده‌اند و سپس کارهای آنها را از بالا به اقتصاد کشور تزریق می‌کنیم. مثال‌هایی زیادی هم در این زمینه وجود دارد؛ برای مثال شرکت‌های رتبه‌بندی و اعتبارسنجی در بورس‌های اوراق بهادار جهان بسیار فعال هستند و با وجود این که بورس اوراق بهادار کشورمان نیاز به یک نهاد تخصصی برای رتبه‌بندی و اعتبارسنجی شرکت‌ها

مقوله کارت اعتباری شویم. ما یک قانون به نام قانون عملیات بانکی بدون ربا داریم. یعنی وقتی می‌خواهیم از منابع بانک‌ها استفاده کنیم و یا تسهیلات ارائه دهیم خیلی تاکید می‌شود که مفاد این قانون کاملاً رعایت شود. خب اولین مشکلی که در ارائه کارت اعتباری در ایران بود این بود که این محصول جدید با کدام یک از عقود تطبیق دارد یا در کدام گروه قابل طبقه‌بندی است.

یک زمان بحث بود که کارت اعتباری بر مبنای عقد قرض الحسنه باشد. یعنی فردی که از این کارت استفاده می‌کند تا یک زمان مشخصی هیچ مبلغی را به عنوان سود پرداخت نمی‌کند. خب در خیلی از کشورها هم این چنین است که فرد تا آخر ماه فرصت دارد آن مبلغی را که از اعتبار این کارت استفاده کرده است برگرداند و اگر در آن تاریخ واریز نکند مشمول جریمه می‌شود. ما هم این مکانیسم را برقرار کردیم. اما وقتی در قالب قانون در نظر می‌گیریم، در کدام یک از کانال‌هایی که قانون‌گذار تعبیه کرده است می‌توانیم این را طراحی کنیم؟ فرض می‌کنیم آن را جزء قرض الحسنه قرار دهیم. متأسفانه در قرض الحسنه چون منابع ارزان قیمت است مقامات سیاست‌گذار پولی، همیشه برایش کاربرد مشخصی تعریف کرده‌اند؛ مثلاً برای ازدواج، بیماری، کمک هزینه تحصیلی یا مواردی از این قبیل. خب! پس قرض الحسنه طبق تعریف

دارد ولی این امر هیچ وقت از درون جامعه متبلور نشده است. یعنی نیازش از مردم احساس نشده بلکه از بالا تصمیم گرفتند چون در کشورهای پیشرفته هم این قبیل شرکت‌ها وجود دارد، ما هم همان را ایجاد می‌کنیم. این فقط یک مثال ساده بود، ولی واقعیت این است که در کشورهای دیگر به تقاضا و نیازهای بازار و مردم توجه می‌شود و خود مردم این نیازها را برآورده می‌کنند. اگر همکاران بانک مرکزی از دست من دلگیر نشوند، طرح شاپرک را به عنوان مثال دیگر نام می‌برم. من فکر می‌کنم طرح شاپرک بیشتر از این که نیاز بانک مرکزی باشد، نیاز بانک‌ها بود اگر قرار بود این طرح در یک کشور پیشرفته اجرا شود بانک مرکزی به بانک‌ها اجازه می‌داد خودشان با همکاری یکدیگر این سامانه را طراحی کنند؛ البته ناگفته نماند که بانک مرکزی برای این طرح تلاش‌های بسیاری کرد. ولی باز فکر می‌کنم این طرح از دل جامعه نجوشید و از بالا تزریق شد. شاید دلیل بیماری سیستم ما هم همین باشد.

در مورد کارت اعتباری نیز همین‌طور است. یعنی برای کارت اعتباری نیازی از طرف مردم احساس نشد تا در رده‌های بالاتر مورد بررسی قرار بگیرد و برایش راه کار ارائه شود. بلکه ما خواستیم با الگوبرداری از دیگر کشورها و با اهدافی که از سوی مردم نبود و فقط از سوی بانک مرکزی با مقامات دیده شد بودند، وارد



برای کارت اعتباری نیازی از طرف مردم احساس نشد تا در رده‌های بالاتر مورد بررسی قرار گیرد و برایش راه کار ارائه شود. بلکه ما خواستیم با الگوبرداری از دیگر کشورها و با اهدافی که از سوی بانک مرکزی یا مقامات مسئول تعیین شده بود، وارد مقوله کارت اعتباری شویم

■ همان‌طور که خودتان هم در ابتدا گفتید انگار هنوز این نیاز به کارت اعتباری از سوی مردم بیان نشده است. آیا تحقیقی یا تحلیلی وجود دارد که برآوردی از این داشته باشد؟

تحلیلی که وجود ندارد ولی برآورد خود من این است که حتی آن تعداد افرادی که کارت اعتباری دارند به این کارت‌ها به عنوان یک ابزار خرید نگاه نمی‌کنند. تصور کلی درباره کارت اعتباری این است که یک کارمند تا اواسط ماه با حقوقش سر می‌کند و بعد از آن از کارت اعتباری‌اش استفاده می‌کند و دوباره آخر ماه که حقوقش آمد پول کارت اعتباری را سرچایش برمی‌گرداند.

■ آیا این تصور بیشتر در ایران است یا در دیگر کشورها هم این چنین است؟ چون در کشورهای دیگر فرد ممکن است در حسابش پول هم داشته باشد اما ترجیح دهد از کارت اعتباری استفاده کند.

به هر حال این دیدگاه کلی در آن نهفته است. یعنی حتی آن‌ها هم فکر می‌کنند که آخر ماه تسویه کنند. در کشور ما خیلی این مفهوم جا نیفتاده است و افراد بیشتر از کارت اعتباری به عنوان این که مبلغی را در جیب‌شان بگذارند استفاده می‌کنند. یعنی فکر می‌کنم اگر تحقیقی انجام شود و ارقام کارت‌های اعتباری را نگاه کنند می‌بینند که بیشتر آنها در همان اول ماه در یک یا دو قلم کارت‌تی که کشیده شده‌اند تمام مبلغ استفاده شده است.

■ یعنی به عنوان یک کارتی که به صورت روزمره با آن خرید کنند نیست.

بله. مثلاً می‌گویند آقا این کارت اعتباری برای شماست و از اول ماه هم می‌توانید خرید کنید. طرف همان روز اول یا دوم به یک فروشگاه می‌رود که آشنا است

بانک‌ها هم انجام نداده‌اند. تا این که سال گذشته بانک مرکزی عقد مباحه را ارائه کرد. مدت زیادی نیست ولی خب بانک‌ها اقداماتی در قالب آن انجام داده‌اند و هنوز استفاده از این روش رایج نشده است. اصلاً بهتر است بگوییم هنوز خود عقد مباحه در کشور ما جا نیفتاده است و حتی خیلی از افراد بانکی اطلاعاتی از این نوع عقد ندارند.

■ حالا این عقد مباحه آن مشکلاتی که عقدهای قبلی برای کارت اعتباری داشتند را حل کرد؟ یا این که چالش‌های جدیدی با خود آورد؟

به نظر من عقد مباحه یا حداقل این قرائتی که ما از عقد مباحه داریم، یک اشکالاتی دارد. یعنی وقتی وارد جزئیاتش می‌شوید و مطالعه می‌کنید در می‌یابید آن مواردی که نباید در بانکداری اسلامی دیده شود، هنوز دیده می‌شوند. ولی به هر حال اعلام شده است و منشأ قانونی دارد و فرض بر این است که همه ما تمکین کنیم. درحالی که هنوز در بازار خیلی فعال نشده است، بانک‌ها دارند از آن استفاده می‌کنند.

■ همان‌طور که گفتید کارت اعتباری در فرهنگ دیگری و با شرایط دیگری و با توجه به نیازهای جوامع دیگری شکل گرفته است و شاید اصلاً در فرهنگ و قوانین ما شدنی نباشد. آیا کارت اعتباری، ظرفی است که بشود آن را وارد بانکداری اسلامی کرد؟ یا از اساس اشکال دارد؟

من فکر نمی‌کنم نشدنی باشد. ما می‌توانیم با رفع کردن مشکلات، کارت اعتباری را در کشور راه بیندازیم. کما این که در کشورهای اسلامی دیگر هم بانک‌های اسلامی کارت اعتباری صادر می‌کنند.

■ در کشورهای اسلامی دیگر هم نسبت درصد کارت اعتباری به کارت نقدی مانند کشور ما پایین است؟

اطلاع دقیقی از این موضوع ندارم ولی می‌دانم که بر اساس یکی از همین عقود که فکر می‌کنم مباحه است از کارت اعتباری استفاده می‌کنند و بین مردم جا افتاده است. در کشور ما هم فکر می‌کنم اگر راهی برای ارائه این خدمت پیدا کنیم دیگر مشکلی نباشد. منتها ما چون شروع قانون بانکداری‌مان از فقه است باید این مشکل حل شود. اگر مشکل ربوی بودنش حل نشود چون مردم مسلمان هستند راضی نخواهند بود و در نتیجه استقبال صورت نخواهد گرفت. اما با توجه به این که کارهای زیادی برای مشکلات عقد مباحه انجام شده است به نظر می‌آید در آینده بتوانیم موفق باشیم.

برای موارد ضروری به کار گرفته می‌شود که وقتی به کارت اعتباری نگاه می‌کنیم می‌بینیم هیچ کدام از این مصداق‌ها نیست. یعنی عنصر ضرورت در کارت اعتباری نهفته نیست. افراد با کارت اعتباری خریدهای روزانه خودشان را انجام می‌دهند پس در گروه‌ها و طبقات ضروری قابل جای دادن نیست.

این کارت‌ها را صادر کردیم؛ هر چند کار از همان ابتدا همراه با ابهام بود. به خاطر این اشکال اساسی که در ساختار کارت اعتباری وجود دارد از همان ابتدا مردم و بانک‌ها خیلی راغب به استفاده از این کارت‌ها نشدند. به هر حال این آیین‌نامه امضا شد و به دست بانک‌ها هم داده شد ولی همان‌طور که گفتید کارت‌های اعتباری در بین مردم خیلی جا نیفتاد.

مساله فقهی را بانک مرکزی به کمک دیگران حل کرد و عقد مباحه را برای حل این مشکل پیشنهاد کردند.

بله، در گام بعدی دیدند که قرض الحسنه برای کارت اعتباری مشکل دارد. علاوه بر این قرض الحسنه یک مشکل دیگر هم داشت و آن این بود که منابع آن حتماً باید قرض الحسنه باشند و اگر در بانکی به هر دلیلی منابع قرض الحسنه نباشد آن بانک نمی‌تواند این خدمت را ارائه بدهد.

گفتند برویم سراغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری. اگر بخواهیم از این منابع استفاده کنیم، آنجا هم قانون‌گذار تعیین کرده است که بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذار حتماً باید در طرح‌های سودده سرمایه‌گذاری کند. بنابراین باید سود گرفته می‌شد. برخی از بانک‌ها شروع کردند این را وارد کانال سپرده‌های سرمایه‌گذاری کردند که سودآور باشد. از همین رو عقد جعاله را طراحی کردند که عقد جعاله هم یک اشکالاتی دارد. شاید اولین اشکالی که بشود به عقد جعاله گرفت این است که مبنای جعاله، پیمانکاری است. یعنی کارفرمایی است که چیزی را از یک پیمانکاری می‌خواهد (که البته با آن مکانیسم پیمانکاری معمول کمی فرق دارد ولی ریشه‌اش همان است). به عبارتی بانک از مشتری‌اش می‌خواست که کاری برایش انجام دهد یا برعکس؛ مشتری از بانک می‌خواست که کاری را برایش انجام دهد. بانک اگر بتواند کار را انجام دهد انجام می‌دهد یا اگر بخواهد می‌تواند بر اساس یک جعاله ثانویه از کسی که توانمند است بخواهد که آن کار را انجام دهد. ولی در کارت اعتباری هیچ کدام از این مصادیق نیست. یعنی قرار نیست ما به صورت جعاله برای مشتری خرید کنیم یا مشتری به نیابت از بانک خرید کند. خب، می‌بینیم این‌ها خیلی با هم جور در نمی‌آیند ولی با همه این حرف‌ها برخی از بانک‌ها جعاله انجام داده‌اند و برخی از



بانک‌ها بیرون آمده باشد. دستوری است که از بالا آمده و بانک‌ها باید به آن برسند که حتی ممکن است برای بانک‌ها رقابتی ایجاد کند و برخی بانک‌ها هم برای رسیدن به آن وارد مسیرهای انحرافی بشوند. یعنی می‌خواهم بگویم چنین دستوری هم که بگوید برای فلان تاریخ فلان درصد باید باشد اشکال دارد زیرا در بدنه ایجاد التهاب می‌کند، یا ممکن است برای رسیدن به این درصد قانون را هم دور بزنند یا ابزاری که دست می‌گیرند شبیه ربوی داشته باشد. پس این چنین خطرهایی هم وجود دارد.

من هم اعتقاد دارم که کارت اعتباری در کشور ما زیاد استفاده نمی‌شود. ولی در کارت نقدی خیلی خوب پیش رفتیم هر چند آن را هم ما دیر در کشورمان شروع کردیم. ولی ما هنوز در مقوله کارت اعتباری نسبت به کشورهای غربی خیلی عقب هستیم و شاید در آینده در ایران هم این نیاز به کارت اعتباری مانند کارت نقدی از دل جامعه بیرون بیاید. متأسفانه همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردم نگاه‌ها به کارت اعتباری مانند نگاه من و شما یا نگاه یک اقتصاددان نیست بلکه نگاه عموم، گرفتن یک وجه نقد از بانک‌هایی است که در حالت عادی نمی‌توان این وجه نقد را از آنها دریافت کرد.

■ اگر به گذشته نگاه کنیم می‌بینیم ابزارهایی داشتیم که مانند کارت اعتباری بوده‌اند مانند برات، سفته و چک که بازاریان با آنها کار می‌کردند. پس نسبیته کار کردن یا همان اعتباری کار کردن از گذشته در کشور بوده است. چرا الان اینطور نیست؟ یعنی آن اعتماد یا شرایط گذشته دیگر وجود ندارد؟

ببینید، یک تفاوتی بین کارت اعتباری و سایر موارد وجود دارد و آن هم این است که کارت اعتباری به اشخاص حقیقی و به عموم مردم جامعه داده می‌شود و اتفاقاً فرض می‌شود اقشار حقوق‌بگیر جامعه بیشتر از آن استفاده کنند. خوب حالا ما اگر به پرتفوی تسهیلاتی بانک‌ها نگاه کنیم چه کسانی بیشتر از تسهیلات و وام‌های بانک‌ها استفاده می‌کنند، بیشتر آنها قشر حقوق‌بگیر نیستند، نهایتش این است که قشر حقوق‌بگیر یک وام مسکنی بگیرد یا از طریق مشارکت بانک‌ها با سازمان‌هایشان یک سری تسهیلات خاصی به آن‌ها داده شود. یعنی خیلی قشر وام‌بگیری نیستند، بیشتر کسبه‌ها، صنعت‌گران، اشخاص حقوقی هستند که وام می‌گیرند. بنابراین ما با یک قشری در کشورمان روبرو هستیم که خیلی متقاضی استفاده از تسهیلات بانک‌ها مخصوصاً وام نیستند و از وام‌های سبک و معمول مانند قرض‌الحسنه استفاده می‌کنند. در مورد چک، سفته و

اما خوب در کشور ما نمی‌شود. بنابراین یک نوع تشنگی برای این که از منابع بانک‌ها استفاده شود وجود دارد. ما کارت اعتباری صادر می‌کنیم آن هم کارتی که از دل جامعه بیرون نیامده است و فقط از بالا به جامعه تزریق شده است. خوب استنباط جامعه این است حالا که گرفتن تسهیلات برای استفاده‌های مختلف سخت است این کارت را می‌گیرد. فقط کافی است که فرد با یک فروشنده آشنا باشد تا برود آنجا کارت را بکشد و وجه آن را نقدی دریافت کند. این اشکال کلی را من در جریان کارت اعتباری در کشورمان احساس کردم و به نظر می‌آید آن تصور کلی که از کارت اعتباری می‌رود در جامعه‌ی ما پیاده نشده است.

■ چند سال پیش حتی هیات وزیران هم این را تصویب کرد که نسبت درصد کارت‌های اعتباری به کارت‌های نقدی باید افزایش یابد و فکر می‌کنم برای سال ۹۰ این طور پیش‌بینی شده بود که چهل درصد کل کارت‌های بانکی کشور باید کارت اعتباری باشند. ولی این اتفاق نیفتاد و برعکس تعداد کارت‌های نقدی به شدت افزایش یافت. خوب چطور شده است که مردم نیاز به کارت نقدی را احساس کرده‌اند که به دنبالش رفته‌اند ولی در مورد کارت اعتباری این اتفاق نیفتاده است؟ یعنی هم مردم و هم بانک‌ها رغبتی برای رفتن به سمت کارت اعتباری نداشته‌اند که با این توصیف برداشتیم این است که ما به مزایای کارت اعتباری دست نخواهیم یافت. آیا درست است؟

بله، ببینید همان چهل درصدی هم که شما گفتید دستوری است که از بالا آمده است. خوب این چیزی نبوده که از دل جامعه و از میان مشتریان شعبه‌های

می‌رود و کل مبلغ کارت را می‌کشد و به جای آن پول نقد می‌گیرد و در جیبش می‌گذارد خرج می‌کند. دوباره آخر ماه تسویه می‌کند و باز اول ماه می‌رود تمام اعتبارش را کارت می‌کشد. شاید بتوان گفت هشتاد درصد کارت‌های اعتباری در ایران به همین شکل استفاده می‌شوند. یعنی این فرهنگ که فرد خرد خرد از این کارت خرید کند و برایش صورت حساب بیاورد جا نیفتاده است. افراد در همان روز اول کل مبلغ را برداشت می‌کنند؛ و یک جورهایی نگاه وام به آن دارند تازه مثل وام‌های قرض‌الحسنه در صف ایستادن و مدارک ارائه کردن هم نمی‌خواهد.

■ برخی به قول خودشان یک کار هوشمندانه تر هم می‌کنند و دو کارت اعتباری دارند و سر تاریخ تسویه کردن‌شان از این کارت به آن وارد می‌کنند و باز دوباره سر تاریخ آن یکی، از این یکی به حساب آن واریز می‌کنند. انکار یک چند میلیون تومانی به پول‌هایشان اضافه شده است. یعنی آن کاربرد اصلی و اساسی که کارت‌های اعتباری مانند ویزا و مستر کارت به عنوان یک ابزار روزمره دارند در ایران در هشتاد درصد موارد از دست داده‌اند.

بله، با توجه به سوابقم در جاهای مختلف مانند بانک مرکزی و با توجه به صحبت‌هایی که در مجامع می‌شنوم همین برداشت را دارم برای مثال در اروپا از سوی بانک‌ها تبلیغات گسترده‌ای می‌شود تا مردم از آنها تسهیلات بگیرند، برعکس اینجا که همه بانک‌ها به دنبال جذب سپرده از طریق تبلیغات می‌باشند. یعنی منابع آنجا زیاد است و همه در پی تخصیص آن هستند. بنابراین کسی که دارنده کارت اعتباری است از قبل، کلی وام و تسهیلات گرفته است پس نیازی ندارد که فوراً برود کارت اعتباری‌اش را کلاً نقدی برداشت کند.

برات هم به یک نکته اشاره کنم این که آنجا دیگر پای بانک در میان نیست بلکه اشخاص خودشان با استفاده از ابزار بانکی با یکدیگر تعامل می‌کنند. یعنی کارها توسط خود طرفین انجام می‌شود و بانک هم نهایتاً یک رابط است این میان. منتها کارت اعتباری یک ابزاری است که بانک آن را ارائه کرده است و خودش هم مسئولیتش را بر عهده دارد. همان طور که شما هم گفتید برای کارت اعتباری در ایران از فرد یک یا حتی دو ضامن می‌خواهند که خیلی در دیگر کشورها رایج نیست. در ایران سعی می‌کنند معمولاً وصلش کنند به حقوق فرد و آن فیش حقوقی می‌شود ضمانتش. یا سپرده فرد را مسدود می‌کنند. خوب این‌ها برخی از عواملی هستند که باعث می‌شود رغبت مردم به کارت اعتباری کم شود.

■ به عبارتی رفتار باید تغییر کند. اگر نگاه کنیم به فرآیند وصل شدن یارانه‌ها به کارت‌های نقدی مردم، شاهد فراگیر شدن کارت‌های نقدی در میان مردم هستیم. اما در اوایل کار تا همین چند دوره پیش بیشتر مردم همان روز یا حتی همان شب اول می‌رفتند پای دستگاه‌های خودپرداز تا یارانه را بردارند. چون به این سیستم جدید بانکی اعتماد نداشتند. ولی این رفتار تغییر کرد و دیدیم که نه تنها به آرامی فشار به سیستم بانکی و مراجعه مردم به دستگاه‌های خودپرداز در روزهای اول واریز یارانه‌ها کم شد، بلکه مردم به خرید با کارت نقدی در فروشگاه‌ها و انواع خرید الکترونیکی بیشتر تمایل پیدا کردند. این چیزی بود که کم کم خود مردم به آن رسیدند. آیا می‌شود برای کارت اعتباری هم امید داشت که این رفتار تغییر کند؟ از کجا باید شروع شود؟ بالاخره کارت اعتباری هم یک مزایایی دارد و برای دست یافتن به این مزایا یک تغییر رفتارهایی باید اتفاق بیافتد.

همان طور که می‌دانید تغییر رفتار یا همان تغییر فرهنگ به زمان نیاز دارد. همین کارت نقدی هم یک روزی در کشور بسیار کم بود تا آرام آرام زیاد شد و به عنوان یک ابزار بین مردم پذیرفته شد. این که در ابتدا گفتیم که کارت اعتباری از نیاز مردم نشأت نگرفته است و از بالا به جامعه تزریق شده است؛ به این معنی نیست که واجد اثرات مثبتی نباشد. قطعاً وقتی مردم به مزایای کارت اعتباری پی ببرند آرام آرام آن را مورد استفاده قرار خواهند داد. اما متأسفانه نگاه کلی در کشور ما این گونه است؛ یعنی توجهی نداریم که بازار چه نیازی دارد. حتی اگر کسی هم بخواهد دنبال نیاز بازار برود در ابتدا خیلی به آن توجه نمی‌کنند. تغییر رفتار کار دشوار

و سختی است و با توجه به شرایط و رفتار عمومی جامعه من خیلی مطمئن نیستم که بشود امیدوار بود که مردم از کارت اعتباری در سال‌های نزدیک استقبال کنند. اگر هم الان یک تعداد کارت اعتباری در دست مردم است و آمارش هم هر چند وقت یکبار می‌آید به نظرم صوری است. یعنی اسمش کارت اعتباری است ولی در واقعیت دریافت وجه نقد است. یا این که مشکل ساختاری دارد و می‌گویند بر مبنای قرض الحسنه است. با این که برخی مقامات هم این مطلب را اظهار می‌کنند اما وقتی به مرحله عمل می‌رسد می‌بینیم منابع قرض الحسنه بانک‌ها تمام شده است و امکان پرداخت کارت‌های اعتباری وجود ندارد.

■ خوب تا اینجا ما بیشتر از ایرادات و چالش‌های کارت اعتباری حرف زدیم کمی هم از مزایای آن صحبت کنیم.

البته بگویم این ایراداتی که من گفتم ایراد به کارت اعتباری نیست، ایراد به روش‌هایی است که ما در کشورمان انتخاب کرده‌ایم. کارت اعتباری قطعاً از مزایای زیادی برخوردار است. مثلاً ما اگر قشر حقوق‌بگیر را به عنوان بیشترین متقاضیان کارت اعتباری در نظر بگیریم، اول ماه که حقوقش را می‌گیرد طبیعی است که با اقساط زیادی که بیشتر کارمندان به آن مبتلا هستند و باید اقساطشان را پرداخت کنند، ضروریاتشان را خریداری کند و حالا بعد از یک مدتی بتوانند با کارت اعتباری‌اش تا آخر ماه سر کند و باز اول ماه با دریافت حقوقش این‌ها را تسویه کند. هر چه جلوتر برویم و پیشرفته‌تر شویم آن وقت حتی زمانی که شخص پول نقد هم دارد ترجیح می‌دهد به خاطر مزایایش از کارت اعتباری استفاده کند. بالاخره تنگنای نقدینگی برای هر کسی در جامعه می‌تواند پیش بیاید که خوب راه کار کارت اعتباری می‌تواند راه‌گشا باشد. البته این کارت را هم اگر فرد درست استفاده نکند که متأسفانه در حال حاضر در کشور ما بیشتر این گونه است، فرد هم‌چنان مشکل نقدینگی خواهد داشت. رفتار باید عوض شود. البته یک مشکل اصلی دیگر هم وجود دارد و آن این است که منابع بانک‌ها کم است. می‌شود با ارقام و آمار و اعداد نشان داد که با توجه به جامعه و نیازهای مردم، منابع بانک‌ها زیاد نیست. وقتی منابع زیاد نیست طبیعی است که هر منفذی پیدا شود بعد بلافاصله مورد استفاده مردم قرار می‌گیرد حتی اگر به قیمت مخدوش شدن اصل و اساس ارائه آن خدمت بانکی باشد.

■ حکایت یک مو از خرس کندن است.

برای مثال اعتبار در حساب جاری قبلاً طراحی شد

و بانک سپه به عنوان پیشتاز برایش بحث عقد مضاربه مطلق و مضاربه عام را مطرح کرد و برای مدتی هم کار کرد. اما مبنایی شد برای گرفتن اعتبار، نه اعتبار در حساب جاری، بلکه سیستم مبالغ کلان را به افراد خاصی اختصاص می‌داد و اسمش را هم گذاشته بودند مضاربه عام. خوب این تشنگی استفاده از منابع بانک‌ها هر چیزی را مخدوش می‌کند که آخر هم بانک مرکزی به کل این مقوله را خاتمه داد و یک ابزار مناسب متأسفانه از بین رفت.



استنباط جامعه این است حالا که گرفتن تسهیلات برای موارد مختلف سخت است این کارت را می‌گیرد. فقط کافی است که فرد با یک فروشنده آشنا باشد تا برود آنجا کارت را بکشد و وجه آن را نقدی دریافت کند. این اشکال کلی را من در جریان کارت اعتباری در کشورمان احساس کردم و به نظر می‌آید آن تصور کلی که از کارت اعتباری می‌رود در جامعه‌ی ما وجود ندارد

■ شما خودتان هم از کارت اعتباری استفاده

می‌کنید؟

کارت اعتباری نه، رغبتی نداشتم ولی کارت نقدی چند تا دارم.

■ در آخر اگر نکته‌ای باقی مانده که می‌خواهید

اشاره کنید بفرمایید.

من تصورم این است که ما اگر هم در زمینه فناوری اطلاعات در هر بخشی ضعیف باشیم ولی در بخش سیستم بانکی سطح فناوری اطلاعاتمان بسیار بالاست. علاوه بر این از طریق فناوری اطلاعات نظام بانکی ما به جهان متصل است و می‌توان گفت فناوری اطلاعات بانکی در کشور ما با آخرین استانداردهای جهانی دارد کار می‌کند. همین دستگاه‌های کارت‌خوان یا خودپردازی که ما داریم آنها هم دارند و شاید در مواردی هم ما از آنها جلوتر باشیم. بستر هم فراهم است که ما کارت اعتباری را در کشور از لحاظ رفتاری جا بیاندازیم و نظام بانکی خیلی پذیرای این مقوله است. فقط اگر ما بتوانیم رفتار را با فرهنگ‌سازی تغییر دهیم قطعاً می‌توانیم از مزایای خوب کارت اعتباری استفاده کنیم. ■